

۱۳۰

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

علم و الهام

ریشه عصمت معصومان علیهم السلام

۱۳۸۹ بهمن ۲۰

۱۴۳۰ هجری

تکشیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



«الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآلته الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين».

قال الله تبارك وتعالى :

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (١)

خداوند فقط می خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پایاک سازد.

حکیمہ سخن

در بحث پیرامون آیه‌ی تطهیر به توضیح منشأ طهارت و عصمت اهل بیت علیهم السلام رسیدیم . روشن شد که خداوند متعال «روح» را مأمور هدایت پیامبر گرامی اسلام علیهم السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام نموده است و آن حضرات علیهم السلام به وسیله‌ی «روح» که اعظم از همه ملائکه است ، نسبت به همه چیز علم و آگاهی پیدانموده و در نتیجه هرگز زشتی ، تخلف و نافرمانی از ایشان علیهم السلام سر نمی‌زند .

١. سورة الحجّ، آية ٣٣.

در جلسه‌گذشته در مورد چگونگی هدایت و علم آموزی رسول خدا ﷺ و حضرات ائمه علیهم السلام رواياتی را بیان کردیم. از جمله‌ی آن روایات، روایتی از ابو بصیر بود که جهت یادآوری، آن را مجددًا ذکر می‌کنیم.

ابوبصیر می‌گوید:

«سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول : إنّا لنزداد في الليل والنهار ولو لم نزد لنفد ما عندنا . قال أبو بصير : جعلت فداك ! من يأتيكم به ؟ قال عليه السلام : إنّ ممّا من يعاين وإنّ ممّا لمن ينقر في قلبه كيت وكيت ومنّا من يسمع باذنه وقعاً كوقع السلسلة في الطشت . فقلت له : من الّذي يأتيكم بذلك ؟ قال عليه السلام : خلق الله أعظم من جبرئيل وميكائيل عليهما السلام »^(۱).

از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمایند: برای ما در هر شب و روز افزایش علم حاصل می‌شود؛ اگر چنین نبود، آنچه داشتیم، پایان می‌یافتد. ابو بصیر گفت: فدایت شوم! چه کسی علم شما را افزایش می‌دهد؟ حضرت علیه السلام فرمودند: بعضی از ما مشاهده می‌کنند و بعضی به دل شان چنین و چنان الهام می‌شود، و بعضی از ما صدایی را مانند صدای زنجیر که داخل طشت به حرکت درآید، باگوش می‌شنود^(۲). عرض کردم: چه کسی علم را نزدتان می‌آورد؟ امام علیه السلام فرمودند: یکی از مخلوقات خداوند که بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائيل علیهم السلام است.

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۸، صفحه ۲۷۰؛ بصائر الدرجات، صفحه ۶۳.

۴

۲. ر. ک به جزوء شماره ۱۲۸، صفحه ۲۳.

معصومین علیهم السلام ، الہام شوندگان از غیب

پس از یادآوری روایت فوق ، برای روشن شدن بحث و رفع ابهام به روایات دیگری در زمینه‌ی کیفیت علم امام علیهم السلام اشاره می‌کنیم .

۱. حارث نصری^(۱) نقل می‌کند که به محض حضرت امام صادق علیهم السلام عرض

کردم :

«الَّذِي يَسْأَلُ عَنْهُ الْإِمَامُ عَلِيٌّ وَلَا يُعْلَمُ عَنْهُ شَيْءٌ، مَنْ أَيْنَ يَعْلَمُهُ؟

قال علیهم السلام : ينکت في القلب نكتاً أو ينقر في الأذن تقرًا^(۲) .

وقتی از امام علیهم السلام سؤالی می‌شود و در آن مورد چیزی در اختیار ایشان علیهم السلام نیست ، جواب را از کجا در می‌یابد ؟ حضرت علیهم السلام فرمودند : یا به دل او خطور می‌شود یا با گوش می‌شنود .

۲. عیسی بن حمزه نقفى^(۳) می‌گوید : به حضور حضرت امام صادق علیهم السلام رسیدم

و عرض کدم :

«إِنَّا نَسْأَلُكَ أَحِيَانًا فَتَسْرِعُ فِي الْجَوَابِ وَأَحِيَانًا تَطْرَقُ ثُمَّ تُجَبِّنَا.

قال علیهم السلام : نعم ، إِنَّهُ يَنْقُرُ وَيَنْكُتُ فِي آذَانِنَا وَقُلُوبِنَا ، إِذَا نَكْتَ أَوْ نَقْرَ

۱. حارث بن المغيرة النصري از فرزندان نصر بن معاویه بصری است که در زمینه‌ی نقل حدیث ، مورد وثوق می‌باشد . (معجم رجال الحديث ، جلد ۴ ، صفحه ۲۰۴)

۲. بحار الأنوار ، جلد ۲۶ ، صفحه ۱۹ : بصائر الدرجات ، صفحه ۳۳۶ .

۳. عیسی بن حمزه از راویان حدیث بوده و یکی از اصحاب حضرت امام باقر و حضرت امام صادق علیهم السلام محسوب می‌شود . (معجم رجال حدیث ، جلد ۱۳ ، صفحه ۱۸۴)

نطقنا و إِذَا أَمْسَكْ عَنَّا أَمْسَكْنا»^(۱).

ما گاهی از شما سؤال می‌کنیم و شما به سرعت جواب می‌دهید و گاهی سر به زیر می‌اندازید و بعد جواب می‌دهید. حضرت ﷺ فرمودند: آری، به گوش و قلب ما القاء و خطور می‌شود، وقتی به گوش و قلب ما القاء و خطور شود، سخن می‌گوییم و وقتی نشود، سکوت می‌کنیم.

نکته‌ای که در اینجا باید ذکر نمود این است که از تعبیر مختلفی که در روایات در مورد چگونگی علم آموزی حضرات معصومین ﷺ وجود دارد، مانند نکت فی القلوب، نقر فی الاذان و ... می‌توان با تعبیر «الهام» یاد نمود و از همین رواست که در منابع متعدد، حضرات ائمه علیهم السلام با عبارت «ملهمون» توصیف شده‌اند؛ یعنی به ایشان ﷺ الهام می‌شود^(۲).

۳. ابن عباس می‌گوید از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمودند:

«أَعْطَانِي اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَمْسًا وَأَعْطَى عَلِيًّا عَلَيْهِ الْكَوْثَرَ خَمْسًا، أَعْطَانِي جَوَامِعَ الْكَلْمِ وَأَعْطَى عَلِيًّا جَوَامِعَ الْعِلْمِ، وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَهُ عَلَيْهِ وَصِيًّا، وَأَعْطَانِي الْكَوْثَرَ^(۳) وَأَعْطَاهُ عَلَيْهِ السَّلْسِيلَ^(۴)، وَأَعْطَانِي الْوَحْيَ وَأَعْطَاهُ عَلَيْهِ الْإِلَهَامَ، وَأَسْرَى بِي إِلَيْهِ وَفَتَحَ لَهُ عَلَيْهِ أَبْوَابَ

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۶، صفحه ۵۷؛ بصائر الدرجات، صفحه ۳۳۶.

۲. بحار الأنوار، جلد ۲۶، صفحه ۵۸.

۳. ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَر﴾، سورة کوثر، آیه ۱.

۴. سلسیل: نهری بزرگ در بهشت است که آیات آن در سوره دهر آمده است.

السموات والجُبْ حتّى نظر إلى مانظرتٌ إلَيْهِ»^(۱).

خداؤند تبارک و تعالیٰ پنج چیز به من عطا فرمود و پنج چیز به
علیٰ علیٰ به من کلمات جامع (کلماتی که علیٰ رغم اختصار،
جامع و دارای معانی بسیار است مانند قرآن و احادیث قدسی) و به
علیٰ علوم جامع بخشنده نمود، مرا پیامبر قرار داد و علیٰ علیٰ
را وصی من قرار داد، به من کوثر و به علیٰ علیٰ سلسیل عطا
فرمود، به من وحی و به علیٰ الهام را بخشدید و مرا به معراج
برد و درهای آسمان و پرده‌ها را برای علیٰ علیٰ گشود تا اینکه هر
چه را که من مشاهده نمودم او نیز مشاهده کرد.

۴. محمد بن مسلم^(۲) از حضرت امام باقر علیٰ روایت می‌کند که ایشان علیٰ
فرمودند:

«كان عليٰ علیٰ يعمل بكتاب الله وسنة نبيه ﷺ، فإذا ورد عليه
الشيء والحادث الذي ليس في الكتاب ولا في السنة، ألهمه الله الحق
فيه إلهاماً وذلك والله! من المضلالات»^(۳).

علی بن ابی طالب علیٰ به کتاب خدا و سنت پیامبر علیٰ عمل
می‌کردند، وقتی پیش آمدی می‌شد که در کتاب و سنت در مورد

۱. خصال شیخ صدوق قمی، صفحه ۲۹۳.

۲. محمد بن مسلم قمی از محدثین بزرگ شیعه و از اصحاب بزرگوار حضرت امام باقر و
حضرت امام صادق علیٰ می‌باشد. (معجم رجال الحديث، جلد ۱۷، صفحه ۱۲۳۳)

۳. بحار الأنوار، جلد ۲۶، صفحه ۵۵؛ بصائر الدرجات، صفحه ۲۵۴.

آن چیزی نبود، خداوند به او الهام می‌کرد. به خدا قسم! این از
مسائل پیچیده است.

۵. علی بن یقطین^(۱) نقل می‌کند: از حضرت امام کاظم علیه السلام پرسیدم:
«علم عالمکم سماعُ أو إلهامُ؟ فقال علیه السلام: قد يكون سماعاً ويكون
إلهاماً ويكونان معاً»^(۲).

علم عالم شما^(۳) چگونه است، به دل اش الهام می‌شود یا با گوش
می‌شنود؟ فرمودند: گاهی با شنیدن است و گاهی بالهام و گاهی با
هر دو.

۶. عبدالعزیز بن مسلم^(۴) می‌گوید:
«كنا مع الرّضا علیه السلام بمنور ، فاجتمعنا في الجامع يوم الجمعة في بدء
مقدمنا ، فأداروا أمر الإمامة وذكروا كثرة اختلاف الناس فيها ،
فدخلت على سيدي علیه السلام فأعملته خوض الناس فيه ، فتبسم ثم
قال علیه السلام : يا عبد العزيز ! جهل القوم وخدعوا عن آراءهم ... إنَّ الإمامة
أجلَّ قدرًا وأعظم شأنًا وأعلا مكانًا وأمنع جانبًا وأبعد غورًا من أن
يبلغها الناس بعقولهم أو ينالوها بآرائهم . إنَّ الأنبياء والائمة علیهم السلام
يوفّقهم الله ويؤتيهم من مخزون علمه وحكمه مالا يؤتيه غيرهم ؛

۱. علی بن یقطین^(۱) از اصحاب جلیل القدر حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد.
(معجم رجال الحديث، جلد ۱۲، صفحه ۲۲۷)

۲. اختصاص شیخ مفید^(۲)، صفحه ۲۸۶؛ بحار الأنوار، جلد ۲۶، صفحه ۵۸.

۳. عالم اهل بیت علیه السلام^(۳) یکی از معصومین علیهم السلام می‌باشد.

۴. عبدالعزیز بن مسلم یکی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام به شمار می‌رود. (معجم رجال
الحديث، جلد ۱۰، صفحه ۳۵)

فيكون علمهم فوق علم أهل الزمان في قوله تعالى : ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى
 الْحُقْقَ أَحُقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْنَ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ
 ﴾^(١) وقوله تعالى تبارك وتعالى : ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتَيَ
 حَيْرًا كَثِيرًا﴾^(٢) وقوله في طالوت : ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ
 بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
 عَلَيْهِ﴾^(٣) وقال لنبيه ﷺ : ﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
 وَعَلِمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾^(٤) وقال في
 الآئمة من أهل بيته وعترته وذراته صلوات الله عليهم : ﴿أَمْ
 يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ
 الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا * فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ
 مَنْ صَدَ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا﴾^(٥) ، وإن العبد إذا اختاره الله
 عز وجل لأمور عباده، شرح صدره لذلك، وأودع قلبه ينابيع الحكمة،
 وألهمه العلم إلهاماً، فلم يعي بعده بجواب ولا يحيّر فيه عن الصواب،
 فهو معصوم مؤيد، موفق، مسدّد، قد أمن من الخطايا والزلل
 والعشار، يخصّه الله بذلك ليكون حجّته على عباده، وشاهده على

١. سورة يونس، آية ٣٥.

٢. سورة بقرة، آية ٢٦٩.

٣. همان، آية ٢٤٧.

٤. سورة نساء، آية ٢٤٧.

٥. همان، آيات ٥٤ و ٥٥.

خلقه ، وذلك فضل الله يؤتى به من يشاء والله ذو الفضل العظيم . فهل يقدرون على مثل هذا فيختارونه أو يكون مختارهم بهذه الصفة فيقدمونه ، تعدوا - وبيت الله - الحق ونبذوا كتاب الله وراء ظهورهم لأنهم لا يعلمون ، وفي كتاب الله الهدى والشفاء ، فنبذوه واتّبعوه أهواءهم ، فنذّهم الله ومقتهم وأتسعهم فقال جل وتعالى : ﴿وَمَنْ أَصَلَ مِمْنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^(۱) وقال : ﴿فَتَعْسَلَهُمْ وَأَصَلَ أَعْمَالَهُمْ﴾^(۲) وقال : ﴿كَبُرَ مُفْتَنًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قُلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَارٍ﴾^(۳) وصلى الله على النبي محمد وآله وسلم تسليماً كثيراً^{(۴)(۵)} .

با حضرت امام رضا علیه السلام در مردو بودیم ، روز جمعه‌ای در اوایل ورودمان با عده‌ای در مسجد جامع اجتماع کردیم و سخن پیرامون مسئله امامت درگرفت و از اختلاف‌های بسیاری که درباره آن وجود دارد ، بحث به میان آمد . سپس من نزد آقای خود (حضرت امام رضا علیه السلام) آدمد و ایشان علیه السلام را از اینکه مردم چنین

۱. سوره قصص ، آیه ۵۰ .

۲. سوره محمد ، آیه ۸ .

۳. سوره غافر ، آیه ۳۵ .

۴. کافی ، جلد ۱ ، صفحه ۲۰۲ : بحار الأنوار ، جلد ۲۵ ، صفحه ۱۲۷ .

۵. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به جلد اول کتاب سیری در آیات ولایت و امامت تألیف حضرت آیت الله یشربی (مدظله العالی) .

سخنایی داشتند، آگاه کردم. ایشان علی‌الله‌ی لبخندی زدند و فرمودند،
۱۳۰ ای عبدالعزیز! مردم نمی‌دانند و در اندیشه‌های خود دچار فریب
و نیرنگ شده‌اند... امامت بلند قدرتر و گرانماهیه‌تر و رفیع
جایگاه‌تر و استوارتر و ژرف‌تر از آن است که مردم بتوانند با
خردهای خود به آن برسند، یا با اندیشه‌های خود از آن آگاه
شوند. خدا به انبیاء و ائمه علیهم السلام توفیق می‌دهد و به ایشان علیهم السلام از
خرزینه علم و حکمت خود آن قدر می‌بخشد، که به دیگران
نمی‌دهد و به همین جهت علم‌شان علیهم السلام بالاتر از علم اهل زمان
است. خداوند متعال می‌فرماید: «آیا کسی که به سوی حق
هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود
هدایت نمی‌شود مگر آنکه هدایت‌اش کنند؟! شما را چه
می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟!» و این سخن خدای تبارک و
تعالی: «و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده
است» و آنچه درباره طالوت می‌فرماید: «خدا او را بر شما
برگزیده و او را در علم و قدرت جسم، وسعت بخشیده است.
خداوند مُلک‌اش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد؛ و احسان
خداوند وسیع است؛ (واز لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است»
و به پیامبر شریف ﷺ می‌فرماید: «و خداوند کتاب و حکمت بر تو
نازل کرد؛ و آنچه را نمی‌دانستی، به تو آموخت؛ و فضل خدابر تو

(همواره) بزرگ بوده است». و درباره ائمه از اهل بیت و فرزندان

پیامبرش ﷺ می‌فرماید: «یا اینکه نسبت به مردم (پیامبر و خاندانش) برآچه خدا از فضل اش به آنان بخشد، حسد می‌ورزند؟! ما به آل ابراهیم (که یهود از خاندان او هستند نیز) کتاب و حکمت دادیم؛ و حکومت عظیمی در اختیار آنها (پیامبران بنی اسرائیل) قرار دادیم. ولی جمعی از آنها به آن ایمان آوردن؛ و جمعی راه (مردم) بر آن بستند و شعله فروزان آتش دوزخ، (برای آنها) کافی است!» وقتی خداوند شخص را به عنوان رهبر بندگان اش برگزیند، به او شرح صدر و قدرت اندیشه در این راه می‌دهد و دل اش را منبع حکمت قرار داده و به او علم الهام می‌کند که بعد از آن دیگر هرگز در جواب فرو نمی‌ماند و در شناخت واقع و حقیقت سرگردان نمی‌شود. او معصوم و مؤید و موفق و پشتیبانی شده از جانب خدا و محفوظ از خطأ و لغزش است. خدا به او این امتیازات را می‌بخشد تا حجت و گواه او در میان بندگان اش باشد. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد و خداوند فضل بزرگی دارد. آیا مردم شخصی را به این امتیازات می‌یابند تا انتخاب اش کنند و آیا منتخب آنها (اشاره به مأمون لعنت الله عليه) می‌توانند دارای چنین صفاتی باشد تا او را مقدم بدارند. قسم به خانه خدا! که بسیار دوراند، کتاب خدا را به

۱۲۰ پشت سر انداخته‌اند، مثل اینکه نمی‌دانند با اینکه در قرآن هدایت

و شفاء نهاده شده، پس آن را پشت سر انداخته و پیرو هوای نفس
خوبیش گردیده‌اند، خداوند آنها را سرزنش نموده و مورد خشم
خوبیش قرار داده و مرگ بر آنها گفته، پس خداوند متعال فرمود:
«و آیا گمراه‌تر از آن کسی که پیروی هوای نفس خوبیش کرده و
هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می‌شود؟! مسلماً
خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند» و در این آیه: «مرگ بر
آنان! و اعمالشان نابود باد!» و این آیه: «(این کارشان) خشم
عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده‌اند به بار می‌آورد؛
این گونه خداوند بر دل هر متکبر جباری مهر می‌نهد، درود و
رحمت خدا بر پیغمبر ﷺ و آل او باد».

حال، برای روشن شدن روایت اخیر به ذکر نکاتی درباره آن می‌پردازیم:

الف - مقایسه مقام افراد معمولی هر چند هم عالم و فاضل باشند، با مقام
عصمت، خطای بسیار بزرگی است و چنین مقایسه‌ای در هیچ بُعد و جهتی امکان
نداشته و معقول نیست، چراکه خداوند متعال از خزینه علم و حکمت خود به آنها
عنایت فرموده است که به دیگران نداده است.

این مقایسه باطل و اشتباه در طول تاریخ وجود داشته است و افرادی غیر
معصوم به دلیل کج فهمی و جهالت، خود را با معصوم علیهم السلام مقایسه می‌کرده‌اند.

خداوند متعال با عبارت ﴿فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^(۱) آنها را تخطئه می‌کند.

- ب - خداوند متعال در وجود حضرات ائمه علیهم السلام چشمه‌های حکمت را به ودیعه گذاشته است که هرچه از آنها برداشته شود کم نشده و دوباره می‌جوشد.
- ج - امام علیهم السلام حجت و گواه خدای تبارک و تعالی در میان بندگان است، و امور همه عالم (نه فقط انسان‌ها) به دست اوست و همه عالم بر سفره کرامت او می‌یهمناند.

﴿بِيُمْنِيهِ رُزِقَ الْوَرَى وَيُوْجُودِهِ ثَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ﴾^(۲).

به برکت وجود حجت الله است که همه مخلوقات، از رزق الهی بهره‌مند می‌شوند و به وجود اوست که زمین و آسمان ثبات یافته است.

د - خداوند متعال به ائمه علیهم السلام علمی عنایت فرموده است که در اثر آن علم، مصون و معصوم از هر خطأ، لغزش و گناهی هستند. لذا در مباحث قبل اشاره کردیم که مسأله عصمت معصومین علیهم السلام از مقوله علم است و در توضیح آن گفتیم که گریز معصوم علیهم السلام از گناه و معصیت، به دلیل علم و آگاهی او نسبت به زشتی و پلیدی گناه است؛ همان طور که بقیه انسان‌ها به بدی و زشتی خوردن نجاست، یا خطر نزدیک شدن به سیم برق بدون عایق و پرتاب کردن خود از بالای بلندی، علم دارند و از آنها دوری و اجتناب می‌کنند.

۱. سوره یونس، آیه ۳۵.

۲. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۱۳۰ و- خداوند متعال به تمام موجودات، آنچه را که به آن نیاز داشته‌اند، اعطاء کرده است ولی به معصومین ﷺ به دلیل شایستگی آن‌ها فضل زیادتری بخشدید است.

دهنده‌ای که به گُل نکهت و به گِل جان داد

به هر که هر چه سزادید حکمتش آن داد^(۱)

نکته‌ی تفسیری

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلِمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ

﴿فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾^(۲).

و- خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را که نمی‌دانستی، به تو آموخت و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است.

حضرت امام رضا علیه السلام در روایت قبل، این آیه را مورد استدلال قرار دادند که شامل نکته‌ی تفسیری مهمی می‌باشد و آن نکته‌این است که؛ علومی که از طرف خداوند به پیامبر ﷺ داده شد، به دو دسته تقسیم می‌شود:

دسته‌ی اول؛ علومی هستند که پیامبر ﷺ به وسیله وحی، موفق به یادگیری

۱. محتشم کاشانی.

۲. سوره نساء، آیه ۱۱۳.

آن‌ها می‌شدند؛ به عبارت دیگر هم‌زمان با نزول قرآن، در جاها‌یی که آیاتی از قرآن نیاز به توضیح داشت، جبرئیل علیه السلام به تناسب موضوع آیات، احادیث قدسی را برای ایشان علیه السلام بیان می‌کرد. این تفسیر، مربوط به قسمت اول آیه‌یی مذکور است که می‌فرماید: «خداوند بر تو کتاب و حکمت را نازل کرد».

اما دسته‌ی دوم؛ علومی هستند که بر خلاف دسته‌ی اول، از راه الهام و القاء، در موقعیت‌های حساس و مکان‌های خاص در دل و قلب رسول اکرم صلوات الله علیه و سلام قرار داده می‌شد.

این‌ها مطالب مهمی است که امیدواریم مورد توجه همه، به خصوص طالبان علم قرار گیرد. میرزای نائینی رهنی، در اواخر عمرش به شاگردان اش گفت:

«تعلموا متنی المکاسب فإني رجل مقوض»^(۱).

از من مکاسب را یاد بگیرید چون من اواخر عمرم را سپری می‌کنم. [و به زودی وفات می‌کنم]

بنابراین اهل علم، باید فرصت موجود را غنیمت شمرده و در یادگیری این نکات دقیق و مهم همت‌کنند.

محدّثون چه کسانی هستند؟

از مطالبی که بیان شد، این نتیجه حاصل می‌شود که پیامبر صلوات الله علیه و سلام و ائمه معصومین علیهم السلام، مُهْمَّاند و به ایشان الهام می‌شود. همان طور که قبل‌آنیز اشاره

شد، روش افزایش علم در حضرات معصومین علیهم السلام، توسط روح به چند طریق می‌باشد؛ یا از راه مشاهده است یا در گوش شان خوانده می‌شود و یا به صورت الهام و القای علم، در دل و قلب ایشان علیهم السلام می‌باشد؛ اما طریق مهم دیگری که در اینجا به بیان آن می‌برداریم، محدث بودن ائمه اطهار علیهم السلام است. به این معنا که ملائکه با ایشان علیهم السلام گفت و گو می‌کنند.

حضرت امام جواد عليه السلام می‌فرمایند:

«إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الْكَفَافُ قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ : إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزَلُ فِي تِلْكُ الْلَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَنِ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وُلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ : مَنْ هُمْ ؟ قَالَ عَلَيْهِ الْكَفَافُ : أَنَا وَاحْدَ عَشَرَ مِنْ صَلَبِي أَئْمَمُ مُحَدِّثُونَ عَلَيْهِ الْكَفَافُ »^(۱).

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به ابن عباس فرمودند: شب قدر در همه‌ی سال‌ها است و در آن شب، امور آن سال مقدّرمی شود [وبه پیامبر صلی الله علیه وسکت نازل می‌شود] و برای خلافت پس از رسول خدا صلی الله علیه وسکت اولیای اموری هستند. ابن عباس پرسید: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت علیه السلام فرمودند: من و یازده تن از ذریه‌ی من که همگی امام محدث علیهم السلام هستند.

همچنین خداوند در قرآن چنین می‌فرماید:

۱. اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۵۳۲؛ الإرشاد شیخ مفید رحمه الله، جلد ۲، صفحه ۳۴۶؛
بحار الأنوار، جلد ۳۶، صفحه ۳۷۳.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ
خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ
أَمْرٍ﴾^(۱).

ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم * و تو چه می‌دانی شب
قدر چیست؟ ! * شب قدر بهتر از هزار ماه است * فرشتگان و
«روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر] هر کاری
نازل می‌شوند.

با دقت در آیات مذکور، معلوم می‌شود که خداوند امرِ هر چیزی را به وسیله‌ی
ملائکه نازل می‌کند؛ به عبارت دیگر، ملائکه، اسباب نزول هستند و آنچه با خود
می‌آورند، «من کلّ امر» یا همان، امرِ هر چیزی است. سؤالی که در اینجا مطرح
می‌شود این است که، مقصد و مقام تحويل گیرنده‌ی این امر، کجا و چه کسانی
هستند؟ قرآن در این مورد، سکوت اختیار کرده و چیزی بیان نمی‌کند. اما با
مراجعةه به حدیث قبل، در می‌یابیم که پیغمبر ﷺ مسئول دریافت این امر الهی
هستند و بعد از ایشان ﷺ نیز در هر عصری، «ولاة امر»؛ اولیای امور که همان
ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشند و محدثاند، مسئولیت تحويل گرفتن این امر
بزرگ را به عهده دارند. بنابراین همان طور که قبل نیز به آن اشاره شد، روح و
ملائکه که غیر از جبرئیل علیه السلام است، مأمور ابلاغ امر، از طرف خداوند به
پیغمبر ﷺ و حضرات معصومین علیهم السلام می‌باشد.

حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام ، محدثه

با تفخّص و بررسی روایات واردہ از حضرات معصومین علیهم السلام ، به روایتی از حضرت امام صادق علیهم السلام برخورد می‌کنیم که حاوی نکته‌ی مهمی است . ایشان علیهم السلام می‌فرمایند :

«إِنَّمَا سُمِّيَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَا الْمَهْدَىٰ مُحَدَّثَةٌ، لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبَطُ مِنَ السَّمَاءِ

فَتَنَادِيهَا كَمَا تَنَادِي مَرِيمَ بْنَتَ عُمَرَانَ عَلَيْهَا الْمَهْدَىٰ فَتَقُولُ : يَا فاطِمَةُ عَلَيْهَا الْمَهْدَىٰ !

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾^(۱) - يَا

فاطِمَةُ عَلَيْهَا الْمَهْدَىٰ ! - ﴿أَفْتَنْتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدْيَ وَارْكَعْيَ مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾^(۲)

فَتُحَدِّثُهُمْ وَيُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ عَلَيْهَا الْمَهْدَىٰ لَهُمْ ذَاتُ لِيلٍ : أَلِيَسْ الْمُفْضَلَةُ عَلَىٰ

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرِيمَ بْنَتَ عُمَرَانَ عَلَيْهَا الْمَهْدَىٰ ؟ فَقَالُوا : إِنَّ مَرِيمَ عَلَيْهَا الْمَهْدَىٰ كَانَتْ

سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَعَالَمِهَا

وَسَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ﴾^(۳) .

فاطِمَه علیهم السلام به این جهت ، محدثه نامیده شدند که ملاٹکه از آسمان

به زمین می‌آمدند و آن بانو علیهم السلام را ندا می‌کردند ، همان طور که

حضرت مريم بنت عمران علیهم السلام را ندا می‌کردند . ملاٹکه به

حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام می‌گفتند : ای فاطمه ! « خدا تو را

۱. سوره آل عمران ، آیه ۴۲ .

۲. همان ، آیه ۴۳ .

۳. بحار الأنوار ، جلد ۴۳ ، صفحه ۷۸ .

برگریده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان عالم برگزید» ای فاطمه!

«[به شکرانه‌ی این نعمت بزرگ] برای خدای خود خضوع و سجده به جای آور و با رکوع کنندگان، رکوع کن». پس فاطمه علیها السلام با ملائکه، و ملائکه با فاطمه علیها السلام گفت و گو می‌کردند. یک شب، زهرای اطهر علیها السلام به ملائکه فرمودند: آیا اینچنین نیست که حضرت مریم علیها السلام از زنان عالم، افضل بود؟ ملائکه گفتند: مریم علیها السلام از زنان زمان خود افضل و برتر بود؛ ولی خدا تو را بر تمام زنان زمان خود و زنان زمان حضرت مریم علیها السلام و نیز زنان اولین و آخرین، افضل و برتر قرار داده است.

بنابراین با دقت در این روایت، معلوم می‌شود که تنها ائمه اطهار علیهم السلام محدث نیستند؛ بلکه علاوه بر وجود مقدس پیغمبر صلوات الله علیه و سلام و حضرات ائمه علیهم السلام، محدث دیگری نیز وجود دارد که همان حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است؛ در زیارت ایشان می‌خوانیم؛

«السلام عليكِ أئتها المحدثة العليمة»^(۱).

سلام بر تو ای دانای هم سخن با فرشتگان.

فرق محدث با رسول و نبی

محدث؛ رسول و نبی سه مفهوم جدا از هم هستند. مراجعه به روایات، فارق

۱. تهذیب، جلد ۶، صفحه ۱۰؛ بحار الأنوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۵.

میان این سه مفهوم را روشن می‌کند که با دست یابی به آن، می‌توان به تعریف دقیق و تفاوت اساسی بین این سه واژه، پی برد. حسن بن محبوب به نقل از احوال می‌گوید:

«سمعت زرارة يسأل أبا جعفر عليه السلام قال : أخبرني عن الرسول والنبي والمحدث . فقال أبو جعفر عليه السلام : الرسول الذي يأتيه جبرئيل قبلًا فيراه ويكلمه فهذا الرسول وأما النبي فإنه يرى في منامه على نحو ما رأى إبراهيم عليه السلام ^(۱) ونحو ما كان رأى رسول الله عليه السلام من أسباب النبوة قبل الوحي حتى أتاه جبرئيل من عند الله بالرسالة وكان محمد عليه السلام حين جمع له النبوة وجائته الرسالة من عند الله ، يجيئه بها جبرئيل ويكلمه بها قبلًا ؛ ومن الأنبياء من جمع له النبوة ويرى في منامه يأتيه الروح فيكلمه ويحدثه من غير أن يكون رآه في اليقظة وأما المحدث فهو الذي يحدث فيسمع ولا يعاين ولا يرى في منامه» ^(۲) .

از زاره شنیدم که از حضرت امام باقر عليه السلام سؤال کرد: من را از (تفاوت) رسول ونبي و محدث آگاه سازید، حضرت عليه السلام فرمودند: رسول کسی است که جبرئيل عليه السلام با او روبرو شده و او را می‌بیند و با او مکالمه می‌کند؛ ولی نبی کسی است که او را در خواب می‌بیند؛ مانند رؤیای ابراهیم عليه السلام [که به فرزندش گفت:

۱. سوره صافات، آیه ۱۰۲.

۲. کافی، جلد ۱، صفحه ۱۷۶؛ بصائر الدرجات، صفحه ۳۹۱؛ بحار الأنوار، جلد ۱۱، صفحه ۵۴.

پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم] و مانند آنچه که رسول خدا ﷺ پیش از آمدن وحی، از اسباب و علائم نبوت می‌دیدند ولی زمانی که مقام نبوت و رسالت برای پیامبر ﷺ جمع گردید، آن حضرت ﷺ، جبرئیل را مستقیماً می‌دیدند و با او سخن می‌گفتند و بعضی از انبیاء که دارای مقام نبوت بوده‌اند، در خواب روح الأمین را دیده و با او هم کلام شده‌اند، بدون اینکه او را در بیداری ببینند و اما محدث کسی است که ملک با او سخن می‌گوید و او می‌شنود، اما او را در خواب یا بیداری نمی‌بیند.
 پس به خوبی روشن می‌شود که مقام محدث، پایین‌تر از مقام نبوت بوده و مقام نبوت نیز به نوبه‌ی خود پایین‌تر از مقام رسالت می‌باشد. بنابراین حضرات ائمه طیلّه، اگر چه نه رؤیت ظاهری دارند و نه رؤیت در خواب؛ ولی محدثاند و بر دل‌ها و قلب‌های ایشان طیلّه‌الهام و القاء می‌شود. البته در این باره، مطالب دیگری نیز هست که در جلسات بعدی به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت. ان شاء الله تعالى.

«السلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

خودآزمایی

۱۳۰

۱) عصمت حضرات معصومین علیهم السلام از چه مقوله‌ای است؟

۲) چرا مقایسه‌ی افراد معمولی با حضرات معصومین علیهم السلام، از لحاظ سطح علمی، اشتباه است؟

۳) با توجه به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، موahب پنج گانه‌ای که از طرف خداوند به ایشان صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام عطا شده است کدامند؟

۴) علت اینکه حضرات معصومین علیهم السلام در پاسخ به سؤالات مردم، گاهی به سرعت و گاهی با تأمل، جواب می‌دادند، چیست؟

۵) نکته‌ی تفسیری که از آیه‌ی ۱۱۳ سوره‌ی نساء استفاده می‌شود، کدام است؟

۶) منظور از «ولاة امر» در بیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام، چه کسانی هستند؟

۷) با توجه به روایات ذکر شده، محدثون، به چه کسانی اطلاق می‌شود؟

۸) دلیل محدثه بودن حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام چیست؟

۹) محدث بانبی و رسول، چه تفاوتی دارد؟

خودآزمایی

۱) عصمت حضرات معصومین علیهم السلام از چه مقوله‌ای است؟

۲) چرا مقایسه‌ی افراد معمولی با حضرات معصومین علیهم السلام، از لحاظ سطح علمی، اشتباه است؟

۳) با توجه به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، موahب پنج گانه‌ای که از طرف خداوند به ایشان صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام عطا شده است کدامند؟

۴) علت اینکه حضرات معصومین علیهم السلام در پاسخ به سؤالات مردم، گاهی به سرعت و گاهی با تأمل، جواب می‌دادند، چیست؟

۵) نکته‌ی تفسیری که از آیه‌ی ۱۱۳ سوره‌ی نساء استفاده می‌شود، کدام است؟

۶) منظور از «ولاة امر» در بیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیهم السلام، چه کسانی هستند؟

۷) با توجه به روایات ذکر شده، محدثون، به چه کسانی اطلاق می‌شود؟

۸) دلیل محدثه بودن حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام چیست؟

۹) محدث بانبی و رسول، چه تفاوتی دارد؟

خداوند متعال به ائمه علیهم السلام علمی عنایت
فرموده است که در اثر آن علم، مصون و معصوم از
هر خطأ، لغش و گناهی هستند. لذا در مباحث
قبل اشاره کردیم که مسأله عصمت
معصومین علیهم السلام از مقوله علم است و در توضیح
آن گفتیم که گریز معصوم علیهم السلام از گناه و معصیت،
به دلیل علم و آگاهی اونسبت به زشتی و پلیدی
گناه است؛ همان طور که بقیه انسان ها به بدی و
زشتی خوردن نجاست، با خطر نزدیک شدن به
سیم برق بدون عایق و پرتاب کردن خود از بالای
بلندی، علم دارند و از آنها دوری و احتیاط
می کنند.

(صفحة ۱۴ از همین جزو)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:
- ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آواز مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۰۰۰۷۲۲۷۰۸
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یاد و سtantan را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی

تلفن: ۰۴۴۹۹۳۳-۰۴۴۴۵۲۷۷

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir